

### اشاره:

کره جنوبی و ژاپن موافقت کردند که هزینه این مطالعات را پردازند. این مطالعات، موضوعات مربوط به یکپارچگی جنسیتی در تعاونها را در یک محیط اقتصادی اجتماعی وسیع معرفی کردند. این مطالعات کمک زیادی به برنامه‌ریزیهای آتی جنسیتی در منطقه خواهد کرد. بررسی منطقه‌ای مبنای انجام تحقیق به وسیله محققین مستقل در چهارده کشور را فراهم کرد. آنها دستورالعمل تهیه شده دفتر ناحیه‌ای آسیا و اقیانوسیه اتحادیه بین‌المللی تعاون را بکار بردند.

### مقدمه

دیدگاه حاصله از این متن تحلیلی از تمایلات و علاقه‌مندیهای مربوط به یکپارچگی جنسی و همچنین مسائل مطرح در تعاونیهای کشورهای منطقه آسیایی - اقیانوسیه APR ارائه می‌دهد به هر حال مطالعات انجام گرفته مربوط به اعضای کشورهای ICA می‌باشد و به ویژه نمونه‌های مورد استفاده در این تحقیق از کشورهایی است که مطالعات و تلاشهایی در جهت ایجاد ICA ROAP انجام داده‌اند. بیشتر مطالعات انجام پذیرفته توسط محققانی که ۹۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند این بازنگری همچنین درصدد است تا پیچیدگی و ابهام موجود در مفاهیم مختلف جنسی را که توسط نویسندگان مختلف از جمله گروههای فمینیستی مورد استفاده قرار گرفته را منعکس نماید. از این رو اساس ارزیابی بیشتر در مورد موضوعاتی چون فقر، برابری و کارایی می‌باشد مدل WID (طرح شرکت دادن زنان در توسعه) به گونه‌ای وسیع مورد استفاده قرار گرفته و انسان نمی‌تواند نقش سازمانهای غیردولتی NGO دولتی و بین‌المللی را در زمینه طرح و مدل زنان در توسعه WID نادیده بگیرد. از زمان اعلام سازمان ملل UN مبنی بر برنامه‌گذاری دهه ۸۵-۱۹۷۵ به عنوان

بخش زنان دفتر ناحیه‌ای اتحادیه بین‌المللی تعاون ICA با تمام شدن برنامه (مسأله سازمان ملل متحد UN برای زنان متوقف شد. با این انتظار که کشورهای عضو این برنامه را ادامه می‌دهند با این حال مسیر کلی تداوم برنامه پیش‌بینی و انتظار مطالعات انجام گرفته به وسیله عوامل اجتماعی زیرنظر سیستم سازمان ملل متحد UN پیش نرفت. رهبران تعاونی زنان که مرتبط با برنامه زنان اتحادیه بین‌المللی تعاون ICA بودند تقاضای زنان برای بازنگری برنامه‌ها و همچنین ایجاد یک محل تبادل نظر برای پیشرفت آتی را عمل نموده و ادامه دادند. بنابراین دفتر ناحیه‌ای آسیا و اقیانوسیه اتحادیه بین‌المللی تعاون ICA ROAP تصمیم گرفت، برآورد وضع کنونی مشارکت زنان در تعاونها را به عهده بگیرد که این برآورد از لحاظ اصول، استراتژیها و فعالیتها مطرح بود. ده کشور عضو موافق با مشارکت در این مطالعه بودند استرالیا، سنگاپور،

## نگاهی به

## یکپارچگی جنسیتی

## و نقش زنان در توسعه

## تعاونیهای آسیا و اقیانوسیه

• تهیه و تنظیم: جمیله خاتون کاظمی

دهه زنان، این گونه سازمانها نسبت به سایر سازمانهای دیگر بیشترین تأثیر را در این زمینه داشته‌اند.

موفقیت‌های گسترده زنان در مثابه یک منبع نیروی انسانی از لحاظ توسعه ملی به منظور مقایسه سیاستها، استراتژیها و مکانیزمهای کلان با تعاونی به عنوان بخشی از متن ملی بیش از حد مورد توجه بوده است. در بعضی از کشورها نوعی دوگانگی بین این دو مشاهده می‌شود.

در تعدادی از کشورها، فعالیتهای خانگی زنان به عنوان کار تولیدی تلقی نمی‌شود از کار خانگی بدون مزد زنان در سرشماریها و تحقیقات به عنوان کار مولد در نظر گرفته نمی‌شود. روش محاسبه برای ارزشهای مفروض متناسب با سیستم‌های اطلاعاتی و آماری نمی‌باشند. هیچ یک از کشورهای غیرسوسیالیست موفقیت چندانی در زمینه مشارکت دادن زنان در تعاونی و به ویژه در تصمیم‌گیریها نداشته‌اند. البته استثنای وجود دارد که بیشتر محدود به بخشهای فرعی می‌باشند همانند تعاونیهای مصرف در ژاپن.

### تحلیل و بازنگری اصول و مکانیسم‌های هر کشور

#### افغانستان

افغانستان در گروه‌بندی توسعه سازمان ملل متحد UN یکی از کم توسعه یافته‌ترین کشورها است. بر طبق گزارش توسعه انسانی در سال ۱۹۹۱، افغانستان رتبه یکصد و پنجاه و هفت (۱) با نمره ۰.۶۹ که از بین ۱-۱۰ گرفته شده است داراست. این کشور، اقتصاد کشاورزی دارد که سهم این بخش در کشور ۸۰ درصد است در سال ۱۹۸۹ درآمدسرانه خالص در این کشور ۱۴/۲ دلار بوده است.

میزان مرگ و میر این کشور ۱۸۲ در هر هزار کودک زنده دنیا آمده است و ۴۳ درصد از این میزان زیر پانزده سال

دارند امید به زندگی در این کشور ۴۷ سال می‌باشد.

این کشور درگیر جنگ داخلی است. قوانین دولتی مبتنی بر سنتهای دین اسلام می‌باشد. در افغانستان تعاونیها از سال ۱۹۵۳ با شروع به کار سیزده تعاونی آغاز شد. زنان تعاونیهای در زمینه‌های بافندگی، خیاطی، قالی‌بافی، نساجی و غیره تشکیل داده‌اند. این تعاونیها سیصد و هشتاد عضو دارند آنها همچنین تعاونیهای مصرف تشکیل داده‌اند که کل اعضای آن ۱۴۲۵۸ نفر می‌باشد.

در افغانستان، توجه بیشتر زنان معطوف به بقای خانواده، داشتن آرامش و ثبات ملی است. چرا که عده‌ای از زنان، شوهران و بچه‌های خود را در جنگ داخلی از دست داده‌اند بیش از ۲/۸ میلیون نفر افغانی در کشور پاکستان پناهنده هستند که بیشتر از پنجاه درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند. بیش از یک میلیون نفر یعنی حدود ۹٪ کل جمعیت افغانستان کشته شده‌اند زنان از اردوگاههای پناهندگی و تحت تسلط ملاحای بنیادگرا و بدون آموزش و همچنین برخی از جنبش زنان زندگی می‌کنند ملاحای افغانی بنیادگرا می‌خواهند زنان حجاب و پوشش خود را مراعات نمایند. در نتیجه سرکوب، زنان مواجه با مشکلات روحی عدیده‌ای هستند. کابل چهره متفاوتی دارد. ۶۵٪ از جمعیت دانشگاهی این شهر را زنان تشکیل می‌دهند. این بازنگری این سؤال را مطرح می‌کند: مشکل اصلی در آینده این خواهد بود که زنان افغانستان در اردوگاههای پناهندگی و مناطق شهری، چگونه می‌توانند مجدداً یک دولت منسجمی را تشکیل دهند.

#### بنگلادش

بنگلادش در بین نمایندگیهای توسعه، بیشتر مورد بحث بوده است بنگلادش یک کشور آسیب‌دیده از بلایای مکرر

طبیعی مانند گردبادها سیلها، خشکسالیها و غیره است همچنین از آغاز سال ۱۹۷۱ به خاطر عدم ثبات سیاسی و تروریسم و مشکلات مسکن و اقامت انسانها با مسائل بیشتری روبرو شده است. بنگلادش یکی از کشورهای کم توسعه یافته در طبقه‌بندی سازمان ملل متحد UN است. میزان شاخص و توسعه انسانی بنگلادش ۱۸۸٪ است که جایگاه ۱۳۶ را در جهان از کل ۱۶۰ کشور در سال ۱۹۶۱ داراست.

شاخصهای اجتماعی کمبود امکانات بهداشتی زنان را نشان می‌دهد از کارافتادگی زنان بیشتر از مردان است. میزان امید به زندگی برای مردان ۵۵/۹ سال و برای زنان ۵۴/۵ سال بود. این امر در صورتی است که میزان امید به زندگی زنان در بیشتر کشورها به بالاتر از مردان است. میزان سرانه کالری مصرف ۲۰۹ کیلوکالری در سال ۱۹۷۵ به ۱۹۰۰ کالری در سال ۱۹۹۰ کاهش یافته است. این میزان کمتر از مقدار تجویز شده (FAO) یعنی ۲۳۳۲ کالری است میزان سرانه مصرف کالری برای زنان ۲۰٪ کمتر از مردان است. میزان مرگ و میر بچه‌ها در بین دختران ۴-۱ ساله ۱۴/۷ در هزار و برای پسران ۳/۱۲ در هزار بوده است.

در مورد نیروی کار فعال فقط ۱۰/۶ درصد زنان فعال هستند. در سال ۸۶-۱۹۸۵ از گروه استخدام مهره‌ها ۳/۱ درصد زن بودند در حالی که مردان ۲۷/۴ درصد استخدام شده‌ها را تشکیل می‌دادند کار خانه‌داری برای مردان صفر درصد و برای زنان ۲۴/۹٪ بود در این داده‌ها وظایف خانه‌داری با کار خانگی بدون مزد منظور نشده است.

قانون اساسی بنگلادش پایگاه یکسانی برای زنان و مردان قائل است. با این حال قوانین شخصی مبتنی بر شریعت اسلام در حقوق وارث و ازدواج در مسورد زنان تبعیض قائل می‌شود گرچه قانون ازدواج مسلمان اجازه نداده است که جهیزیه به

می‌خواهد برابری زنان و مشارکت بهینه آنان و فعالیت‌های توسعه ملی را تضمین کند، هنوز هم بعضی از مناطق دور افتاده گرایش‌های برگرفته از نظام فئودالی را حفظ کرده‌اند.

در این مناطق زنان مورد تبعیض و استثمار قرار می‌گیرند. این امر در ترجیح فرزند پسر به دختر کاملاً مشهود است. نظام تنظیم خانواده موجود نیز که تشویق‌کننده یک فرزند برای هر خانواده است از این وضعیت حمایت می‌کند.

### هند

هند بعد از چین بیشترین جمعیت را در آسیا داراست. در سال ۱۹۹۱ از بین ۱۶۰ کشور، هند مکان ۱۲۳ را در جهان با نمره ۳۰۸٪ از نظر شاخص توسعه انسانی دارا بود. کشور هند بر طبق رتبه‌بندی بانک جهانی به عنوان یک کشور دارای درآمد پایین محسوب می‌شود. در سال ۱۹۹۰ درآمد سرانه خالص این کشور ۳۵۰ دلار بود سهم کشاورزی ۳۲/۲٪ و سهم کارگاه‌های تولیدی ۲۸/۸٪ بود. بنابراین هند هنوز

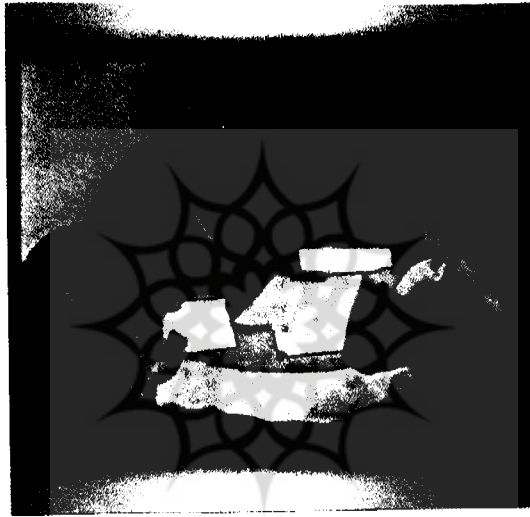
یک کشور کشاورزی است. قانون اساسی هند، تضمین‌های خاصی برای زنان فراهم می‌کند و به دولت اجازه انجام اصلاحات خاص در مورد زنان و کودکان را داده است همچنین قانون اساسی هند حقوق یکسانی برای کارشان به مردان و زنان در نظر می‌گیرد.

در قوانین جنبی و قوانین مرتبط با خشونت اقدامات خاصی را فراهم کرده است مع الوصف کمیته مرتبط با پایگاه زنان استنباطش این است که تمهیدات تنبیهی ملحوظ، تحت تاثیر نظام نهادی پدرسالاری و موقعیت مسلط شوهر و همچنین عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان، عملی نمی‌شد در قوانین مرتبط با وراثت و قوانین شخصی، تبعیضی

امید به زندگی زنان در سال ۱۹۸۹، ۷۱ سال و برای مردان ۶۹ سال بود. میزان مرگ و میر در هر ۱۰۰۰ تولد زنده به دنیا آمده ۲۱ زن ۴۱ مرد بود.

این شاخص‌ها نشانگر بالا بودن شانس سلامتی زنان در مقابل مردان می‌باشد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ موقعیت زنان در کل نیروی کار در چین ۲۷/۴٪ بود. در سال ۱۹۸۰ میزان استخدام زنان در مناطق شهری ۸۲٪ بود.

میزان کار زنان در چین موانع کمتری دارد. حتی آنها می‌توانند شاگرد رانندگان



کامیون شوند. در مناطق روستایی، ۵۰٪ نیروی کار زنان هستند. آنها اخیراً در مزارع خانوادگی بیشتر از مردان پیشرفت داشتند. زنان در فعالیت‌های سیاسی فعال هستند. به عنوان نمونه شهردار ۱۵۰ شهر از ۴۵۵ شهر زن هستند. همه فدراسیون‌های زنان چین دنبال علایق و نیازهای آنان هستند به علاوه اتحادیه‌های کارگری چین آگاهی مبتنی بر جنسیت را دارند و تضمین می‌کنند که برابری در همه زمینه‌ها را تعقیب نمایند. این اتحادیه‌های کارگری دارای ۳۱۵۰۰۰۰ سازمان کارگری زن می‌باشند. چین دارای چندین منطقه است، بعضی از این مناطق که خودمختار نامیده می‌شوند فرهنگ‌های متفاوتی دارند گرچه قانون

همراه عروس باشد ولی آوردن آن یک امر عادی است قانونگذاری سال ۱۹۸۰ بنگلادش مخالف آوردن جهیزیه بود که به ندرت عمل شده است.

طبیعت پدرسالارانه سیستم اجتماعی در زندگی زنان بنگلادش تاثیر می‌گذارد و نقش آنان را در درون خانواده و جامعه محدود می‌کند برنامه پنج ساله چهارم بنگلادش، رهیافت وسیعی برای زنان در توسعه داشت این برنامه زنان را به دو گروه تقسیم کرده است. نسبتاً فقیر و نسبتاً در رفاه و تلاش می‌کند نیازهای

توسعه را شناسایی کرده و امکانات اجتماعی و اقتصادی زنان را افزایش دهد. استخدام زنان در تعاونیها به ۲/۱۳ درصد در تعاونیهای سنتی و ۱/۷۰ درصد در تعاونیهای BRDB می‌باشد. مدیران کمیته زنان در تعاونیهای سنتی ۲/۸ درصد است. هر چند که فراهان سازمان یافته‌ها به وسیله این سازمانها برای ایجاد یک محل تبادل نظر در مورد نارضایتی زنان در موضوعات استراتژیک جنسیتی انجام پذیرفته ولی این سازمانها قادر به تاثیرگذاری در خط‌مشی‌ها

نبوده‌اند. مع الوصف، سیستم تعاونی یک ابزار قوی برای زنان جهت سازمان دادن به امور خودشان از طریق مشارکت در توسعه ملی با توجه به زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی بنگلادش می‌باشد.

### چین

چین مانند بسیاری از کشورهای سوسیالیستی به برابری زنان و مردان از لحاظ حقوق و امکانات اقتصادی معتقد است از نظر اجتماعی، آنها با مطرح کردن ضرب‌المثل نصف آسمان منعکس‌کننده تساوی و برابری حقوق قانونی زن و مرد می‌باشند در سال ۱۹۸۵، ۸۴ زن در مقابل ۱۰۰ مرد سواد ابتدایی و ۶۹ زن در مقابل ۱۰۰ مرد آموزش متوسطه داشتند. میزان

را در مورد زنان قائل می‌شوند.

دادن دستمزد یکسان از سال ۱۹۷۶ برای کار مشابه هر دو جنس تضمین شده و همچنین تبعیض بر علیه زنان در مورد استخدام منع شده است. زنان بیشتر از مردان در انتخابات عمومی گذشته در سال ۱۹۹۱ شرکت کردند. تعداد کاندیداهای مجلس ۱۰۰ زن در مقابل ۱۹۶۰ مرد بود. و تعداد ۳۰ زن در مقابل ۴۸۳ مرد در انتخابات پیروز شوند در کشور هند پایگاه زنان از ایالتی به ایالت دیگر و با توجه به سطح توسعه آن ایالت فرق می‌کند. در این کشور دو نوع سیستم خانوادگی وجود دارد.

الف) خانواده پدرسالار  
ب) خانواده مادرسالار

هند قرارداد سازمان ملل متحد UN را در مورد تبعیض علیه زنان را امضا نکرد و این مورد به عنوان یک موضوع مهم زیر نظر وزارت توسعه منابع انسانی مطرح گردید. در هند طرحهای بسیاری با چشم‌اندازهای آتی بنیان نهاده شده است. دولت یک بانک اطلاعاتی را در رابطه با موضوعات زنان تحت عنوان زنان در هندوستان که یک تاریخچه آماری زنان هند است را در سال ۱۹۸۸ دایر نمود در بخش تعاونی تعداد تعاونی‌های زنان در سال ۱۹۹۰، ۵۶۴۱ عدد بود که نشانگر رشد نه چندان زیاد می‌باشد. بسیاری از آنها تعاونی‌های اعتبار و صرفه‌جویی و تعاونی‌های صنعتی بودند. زنان و محیط، بخش دیگری از تعاونی‌های زنان است که در حال افزایش است زنان در سازمان‌های حفظ محیط زیست مانند جنبش Chipko مدت طولانی، فعال بودند زمانی که پروژه‌های جنگل کاری به وسیله حکومت و فدراسیون‌های تعاونی مانند IT-FCO تبلیغ می‌شد، گروه‌های زنان بیشتری فعال شدند. در تعاونی‌های بخش بانکداری عضویت زنان ۲/۳۷٪ از کل اعضا را در سالهای ۱۹۸۸، ۱۹۸۷ شامل می‌شد. در تعاونی‌های مصرف این میزان

۲۱/۱٪ بود تعاونی‌های کشاورزی ۱۲/۶٪ عضو زن داشتند.

### اندونزی

اندونزی یکی از کشورهای موفق ناحیه در کاهش سریع فقر است. در سال ۱۹۹۱، این کشور توانست میزان فقر قبلی را که ۲۲٪ بود به ۱۶٪ تقلیل دهد. مع الوصف در رتبه‌بندی بانک جهانی، اندونزی هنوز در گروه کشورهای کم درآمد است.

این کشور رتبه پایینی در شاخص توسعه انسانی یعنی رتبه ۹۸ را در جهان دارد. می‌توان خاطر نشان کرد که این امر به خاطر توزیع نابرابر و نامناسب درآمد و وجود سوبسید کم در مورد رفاه اجتماعی است.

اندونزی یکی از کشورهایی است که در آن سیستم تنظیم خانواده کارایی دارد. رشد جمعیت در سال ۱۹۹۱، کاهش یافته و به میزان ۱/۹۷ درصد رسیده است. یکی از مطالعات ILO نشان می‌دهد که بی‌سوادی یکی از عوامل محدودکننده مشارکت زنان در تعاونیها به صورت فعال در سطوح مختلف است. آنها امید کمی در کسب موقعیتهای تصمیم‌گیری و مدیریتی دارند.

زنان در اندونزی در خانواده هسته‌ای زندگی می‌کنند. نقش جنسیتی به صورت سنتی به عنوان رفتار مناسب جنسیتی تعریف شده است زنان به صورت اساسی مطیع مردان هستند. جایگاه زنان در خانواده انجام کارهای روزمره خانه‌داری است. تقسیم کار وجود ندارد آمارهای رسمی نشان می‌دهد که ۲۶/۴۹ درصد زنان شهری ۴۰/۶۲۰ درصد زنان روستایی، از نظر اقتصادی غیرفعال می‌باشند که این میزان در نظر گرفتن کارخانگی بدون مزد بدست آمده است. اشتغال زنان محدود به شغل‌های سنتی در بخشهای خدماتی و کشاورزی است. از نظر دستمزد، زنان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند. پدیده دیگر جامعه

اندونزی رشد تعداد زنانی است که نقش سرپرستی خانواده را به عهده دارند. زنان در اندونزی همانند سایر نیروهای اجتماعی دیگر به عنوان یک نیروی سیاسی از زمان مبارزه برای آزادی این کشور به شمار می‌روند کنگره فعال زنان در اندونزی که در سال ۱۹۶۸ تأسیس شده در حال حاضر فعالیت می‌نماید و سوادآموزی زنان را در رقابت‌های انتخاباتی در درجه نخست اولویت قرار می‌دهد.

برنامه سازمان ملل متحد UN برای زنان باعث ایجاد یک وزارتخانه مربوط به نقش زنان در اندونزی شد. این وزارتخانه طرحهای توسعه را با طرحهای توسعه همه جانبه ملی، برای انسجام زنان به عنوان یک منبع توسعه، مرتبط کرد.

در مجموع تعدادی NGO وجود دارد که به وسیله دولت تعیین می‌شوند و به عنوان راهنمای دولت عمل می‌کنند از قبیل کووانی، دارما، واتینا و دار ساپرتیوی دولت همچنین یک هیأت نیمه استانی راه‌اندازی کرده است که در اندونزی، کمیسیون ملی منزلت زنان (کاکیوی) نامیده می‌شود یکی از مشخصات مهم تعاونی‌های زنان، ثبات و دوام آنهاست اما در توسعه تعاونی‌های خودی از تعاونی‌های قبلی و گروه‌های خود یاری، کندتر عمل می‌کند در اوج تجارت ملی است این یک توسعه طبیعی از شکل گروه‌های غیررسمی سنتی است و در مقابل کارها که به طور مصنوعی توسط دولت به وجود آمده‌اند.

دو سوم تعاونی‌ها گزارش شده‌اند که در سطح ملی دادوستدی را تشکیل داده‌اند و اینکوان نامیده می‌شوند که سرمایه، وام و هماهنگی فعالیت‌های تجاری را در سطوح دوم سازمانی فراهم می‌کند.

تعالی زنان در اندونزی نیازمند یک رهیافتی است که دربرگیرنده زنان و مردان از نظر ایفای نقش در یک جامعه در حال تغییر و پویا بوده است.

## ایران

در طبقه‌بندی بانک جهانی، جمهوری اسلامی ایران متعلق به گروه کشورهای است که متوسط درآمد پایین‌تری دارند. گرچه تولید ناخالص ملی هر نفر ایرانی در سال ۱۹۹۰ معادل ۲۴۹۰ دلار آمریکا بود (منبع بانک جهانی) از نظر شاخص توسعه انسانی UNDP رتبه ۹۰ را در میان ۱۹۰ کشور داراست و نمره ۵۴۷ را بین (۱۰ تا) دارد و رتبه‌اش پایین‌تر از (DPR) کره، سری‌لانکا است که سرانه تولید ناخالص ملی پایین‌تری دارند شاخص‌های

اجتماعی، موقعیت پایین‌تری را در مقایسه سرانه تولید ناخالص ملی و همچنین امید زندگی (۶۳ سال) نشان می‌دهد.

جنگ ایران و عراق باعث تغییر مثبت در مورد مشارکت زنان در توسعه شد. این امر به خاطر از بین رفتن مردان در جنگ و همچنین به خاطر مشکلات و مسائل اجتماعی و اقتصادی بود. با وجود این هنوز اشتغال زنان در حد پایینی است تعداد زنان

شاغل در حال حاضر ۳/۱ درصد از کل جمعیت و ۳۴/۵ درصد از کل جمعیت زن است.

ساختار دستمزد برابری بین مردان و زنان را نشان می‌دهد و مشارکت سیاسی زنان، ناچیز و در سطح پایینی است. قانون اساسی، تساوی حقوق زنان را در رأی دادن و حقوق مادری و حضانت آنها را نسبت به فرزندان، محترم می‌شمارد.

قانون کار پیش‌بینی‌های خاصی برای محافظت و مراقبت زنان در مواقع حاملگی، انتقالات و کارهای سخت دارد در قانون تعاونی‌ها، شرایط خاصی برای زنان وجود ندارد. زنان معمولاً در جلسات عمومی

تعاونی‌ها مشارکت نمی‌کنند اما ۹۵ درصد ارباب رجوع و مشتریان تعاونی‌ها، زنان هستند، ۴٪ از اعضای تعاونی‌ها را زنان تشکیل می‌دهند و ۲/۵٪ از کارمندان دولت که در تقویت و ارتقای تعاونی‌ها مشغول هستند، زن می‌باشند.

در زمینه فرهنگی ایران، تعاونی‌های تولیدی کارگران مانند صنایع دستی، منحصراً برای زنان میسر است. مبادله، تجربیات زنان با کشورهای دیگر، مرتبط با توسعه تعاونی‌ها، یکی از راههای موثر در ارتقاء منزلت و پایگاه زنان در ایران است.



در ایران نقش‌های مربوط به جنسیت به طور سنتی تعریف شده‌اند. مردان سرپرست خانواده و نان‌آور هستند و زنان نقش خانه‌داری را اجرا می‌کنند.

زنان جامعه می‌توانند سمینارها و کنگره‌هایی که موقعیت زنان را در ایران مورد توجه قرار دهد برای خود داشته باشند.

## ژاپن

ژاپن رتبه اول جهانی را از لحاظ شاخص توسعه انسانی UNDP کسب کرده است. موقعیت آن ۹۱۳٪ بین متغیرهای (۰ تا ۱) است. همچنین دومین سرانه تولید ناخالص ملی GNP را در سطح جهان دارد این امر نشانگر پیشرفت شگرف

ژاپن در جهان از نظر توسعه اقتصادی و انسانی است.

از نظر سطح انسجام مربوط به جنسیت، ژاپن سطح بالایی را در جهان و در ناحیه آسیا - اقیانوسیه نشان می‌دهد و به این ترتیب این کشور بالاترین رتبه را در میان کشورهای توسعه یافته منطقه داراست. در خود ژاپن هر بخش تعاونی درجات مختلفی از انسجام مبتنی به جنسیت را داراست. به طور کلی در خدمات حرفه‌ای زنان ۴۲/۷ درصد شاغلان را تشکیل می‌دهند و بالاترین درصد اشتغال زنان ۵۸/۳

درصد از نوع خدمات منشی‌گری است و کمترین یعنی ۴/۵ درصد را خدمات حمل و نقل است. زنان شاغل در بخش کشاورزی ۴۷/۵٪ هستند در حالی که زنان کارگر فروشنده ۳۸/۵ درصد هستند. مشاغل تولیدی ۳۲/۶ درصد از کل را شامل می‌شوند.

توانمند شدن زنان در ژاپن به خاطر تضعیف بخش‌های کشاورزی و ماهیگیری و تقویت بخش‌های تولیدی و

خدماتی است. مع‌الوصف به خاطر اینکه ژاپن کشوری است با نظام خانوادگی منسجم و پایدار و سنتی، هنوز زمینه رهبریت در صنعت و سیاست برای زنان فراهم نشده است.

بخش تعاونی در کشور ژاپن تلاش می‌کند تا مدل‌های متفاوت مدیریتی که در آن برابری کیفیت زندگی انسانی و همچنین برابری مرتبط با جنسیت مطرح باشد را توسعه می‌دهد.

تحقیقی که توسط هیأت مشاوره زنان در سطح ایالتی در سال ۱۹۸۶ انجام گرفت نشان می‌دهد که زنان ژاپنی ساعات کارشان بیشتر از مردان است در سال ۱۹۸۸، درصد زنان کارکن بدون

مزدخانگی ۱۸/۶٪ گزارش شده بود.

تعاونی‌های مصرف‌گرایی و بالا رفتن قدرت خرید خانواده‌ها، از شهرت بالایی برخوردار شده است مع الوصف آغاز تعاونی‌های مصرف زنان در نیمه اول قرن بر می‌گردد زمانی که زنان بیشتر خانه‌دار بوده و اکثریت خریدهای خانه را به عنوان قسمتی از نقش‌شان انجام می‌دادند. این تعاونی‌ها باعث شدند که زنان در کنار مسؤولیت‌های خانگی، نقش خود را در اجتماع نیز ایفا نمایند.

تعاونی‌ها زنان را به صورت گروه‌های اجتماعی درآورده‌اند. آنها در مورد محیط زیست، صلح، عدالت اجتماعی، توسعه فعالیت‌های اشتراکی در قالب کار تعاونی بحث می‌کنند. خصوصاً زنان خانه‌دار برای استفاده از اوقات فراغت خود بیشتر به این کارها می‌پردازند.

زاین توسعه موازی را نیز در زیربخش‌های تعاونی دارد به عنوان مثال تعاونی‌های کشاورزی که از مرحله پیدایش تا سطح ملی دارای ساختار خودی است، از این نوع تعاونی‌هاست.

سازمان تعاونی‌های مشورتی کشاورزی ملی زنان در سال ۱۹۵۱ به عنوان هیأت مشورتی در اتحادیه مرکزی تعاونی کشاورزی شکل گرفت. تعاونی ماهیگیران نیز انجمن‌های زنان مخصوص خود را دارد. آنها در دهه ۱۹۵۰ شروع به کار کردند. در سال ۱۹۸۸ تعداد تعاونی‌های زنان در بخش ماهیگیری ۱۳۹۷ از کل ۲۱۰۷ تعاونی ماهیگیری بود. در تعاونی‌های ماهیگیری ۱۶/۷ درصد اعضا زن هستند که در صنعت ماهیگیری مشغول به کارند.

گروه‌های زنان، یک سازمان حمایتی جهت تعاونی‌های ماهیگیری تشکیل دادند. به این خاطر که براساس قانون ژاپن، هرکسی علاقه‌مند به عضویت در تعاونی ماهیگیری باشد بایستی به طور تمام وقت در صنعت ماهیگیری به کار

مشغول شود. با وجود این در چند سازمان تعاونی، هنوز تعدادی زن به عنوان مدیر و رئیس مشغول کار می‌باشند.

کشور ژاپن دارای مفاهیم متفاوت مرتبط با موضوعات جنسیتی که توسط بخش‌های متفاوت تعاونی به کار برده می‌شود، بوده و رهیافت‌های متفاوتی را نشان می‌دهد. تعاونی‌های مصرف شدیداً تحت تأثیر جنبش‌های کارگری بوده و افکار تندرو و تقویت‌کننده موضوعات مرتبط با جنسیت است که باعث ایجاد و تمهیداتی جهت ورود آنها به مدیریت امور اجتماع زنان به صورت تعاونی شده است.

با این همه هر چند که تغییرات بسیار سریع در جامعه ژاپن اتفاق می‌افتد ولی هنوز این کشور یک جامعه مبتنی بر خانواده سنتی است و کلیشه‌های مرتبط با جنسیت در این فرآیند کاملاً مشهود می‌باشد.

### مالزی

مالزی یکی از کشورهای منطقه با رشد سریع اقتصادی است و درآمد سرانه آن در سال ۱۹۹۰، ۵۵۵۸ دلار آمریکا است. رشد اجتماعی‌اش همانند رشد اقتصادی است میزان امید به زندگی زنان بالاتر از ۷۳/۳ سال است. در حالی که این میزان برای مردان ۶۹/۸ سال می‌باشد. میزان سواد در میان زنان بزرگسال پایین نیست. زنان ۲۵/۹۸ درصد از کل نیروی انسانی جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. این میزان برای مردان ۴۸/۵۱ درصد گزارش شده است. در مقایسه با بیشتر کشورهای منطقه، اشتغال زنان در رشته‌های تخصصی، تکنیکی، خدمات اداری، کشاورزی، ماهیگیری، جنگلداری بیشتر از مردان است.

قانون اساسی و دیگر قوانین، حقوق مساوی را برای زنان و مردان در نظر می‌گیرند. جامعه مالزی دارای ساختار خانواده پدرسالاری است. مع الوصف با توجه به وضعیت کنونی خانواده‌ها، میزان

زنان بیوه، طلاق گرفته و زنانی که تنها زندگی می‌کنند در سطح بالاست دولت مالزی بیشترین اولویت را در توسعه این کشور به انسجام مبتنی بر جنسیت قائل است و بدین جهت شورای مشاوره ملی را در ارتباط با انسجام زنان در توسعه تشکیل داد، مضافاً بخشی تحت عنوان امور زنان در وزارت وحدت ملی و توسعه اجتماعی دایر نموده است. از نظر سیاسی، زنان قوی هستند در مورد سازمان تعاونی مالزی ANKASA خود دارای کمیته کارکردی زنان می‌باشد تعاونی‌های زنان در زمینه فعالیت‌های اعتبار و مصرف تعدادشان ۳۰ مورد است سازمان اقتدار کشاورزان FOA ۴۴ تعاونی زن دارد. یکی از ویژگی‌های مهم تعاونی‌های چندمنظوره زنان، بازخرید زمین‌های رهنی به وسیله شوهران‌شان است یکی از استراتژی‌هایی که توسط کمیته کارکردی زنان ANKASA به کار برده شد، ایجاد شورایی به شکل تعاونی ترکیبی بود که محافظ منافع زنان می‌باشد. مدرسه تعاونی که موثر در عضوگیری آتی تعاونی است موفق به داشتن ۵۰٪ عضویت زنان شده است با وجود این هنوز شکاف عمیقی در سطوح مدیریتی وجود دارد. به طوری که فقط ۶٪ مدیران تعاونی‌ها زن هستند.

ایجاد فعالیت‌های درآمدزا برای زنان در مناطق روستایی، یک امر چالناخته و متداول است. مخصوصاً در زمینه مرغداری، کشاورزی و خیاطی.

یکی دیگر از ویژگی‌های تعاونی در مالزی، این است که تعاونی در میان زنان روستایی بیشتر از زنان شهری می‌باشد هر چند که وضعیت به طور سریع تغییر می‌یابد بخش‌های مرتبط با صادرات و شرکت‌های چندملیتی هنوز هم در به کارگیری و استخدام زنان یک سیاست تبعیض را بکار می‌برند. سازمان‌های غیردولتی NGO متناقض مثل انجمن مصرف پنانگ و ساهابات آلام مالزی که

می‌باشد با وجود این هنوز با زنان به عنوان مصرف‌کننده و نیازمند خدمات اجتماعی برخورد می‌شود تا تولیدکننده.

وزارت توسعه زنان نیز این رهیافت را در طرح‌هایش نسبت به زنان دنبال می‌کند. نیاز به پیشرفت زنان فقط در هفتمین طرح تعاونی که در سال ۱۹۹۳-۱۹۸۸ تدوین یافت لحاظ شده است در صورتی که در طرح‌های پیشین مورد توجه فرار نگرفته بود در حال حاضر از ۶۱۰۰۰ تعاونی فقط ۹۵۲ تعاونی از آن زنان است. با عضویت کمتر از ۳۰۰۰۰ نفر وقتی که حضور زنان در همه تعاونی‌ها مطرح می‌شود این درصد بین (۱ تا ۲) است و این تعداد زن نقشی در تصمیم‌گیری و یا موقعیت‌های مهم مدیریتی دیگر ندارد.

سازمان NGO که برای زنان کار می‌کنند سازمان‌های اجتماعی و خیریه‌ای هستند که هدف‌ها و انگیزه‌های بهینه و مرتبط با رفاه دارند و این سازمانها اخیراً گروه‌های

خودیاری را برای انجام فعالیتهای تولیدی که مطابق اصول تعاونی عمل می‌کنند تشکیل شده است تعاونی‌های کنونی با تاکیدي که بر روی صنایع دستی و حمایت از این صنایع دارند بیشتر نقش‌های سنتی زنان را تقویت می‌نمایند و مشاغل غیرسنتی تا اندازه‌ای مورد کم توجهی و بی‌مهری قرار گرفته است. بنابراین وقتی طرحی با زمینه تولیدی جهت توسعه زنان در نظر گرفته می‌شود، بایستی نقش‌های مولد و اشتغال فصلی زنان مورد توجه قرار گیرد.

مأخذ: اتحادیه بین‌المللی تعاونی دفتر منطقه آسیا و اقیانوسیه ●

نظر می‌گیرد پاکستان یک جامعه پدرسالاری است، مرد بر دارایی و امور خانواده تسلط دارد. در چنین جامعه‌ای نقش‌های مبتنی بر جنسیت سنتی هستند. زنان محدود و منحصر به خانه‌داری و تولید مثل هستند. تحصیل درآمد توسط زنان در حاشیه قرار گرفته است میزان بیکاری کلی در پاکستان پایین می‌باشد، بین ۳-۱ درصد و این میزان در بین زنان کمتر از مردان است. حضور زنان در کار کشاورزی از ۱۴/۵٪ در سال ۱۹۸۴-۸۵ به ۱۶/۶٪ در سال ۱۹۸۷ به خاطر



مهاجرت کارگران مرد به خاورمیانه و اشتغال غیرکشاورزی افزایش یافته است. رهیافت و نگرش دولت به زنان در توسعه، صرفاً کسب رهیافت مبتنی بر رفاه است. زنان هرگز به عنوان یک منبع انسانی اقتصادی مورد توجه قرار نمی‌گیرند بلکه فقط دریافت‌کنندگان طرح‌های رفاهی می‌باشند.

پاکستان یکی از امضاءکنندگان بیانیه مکزیک است و یک بخش مرتبط با زنان در دبیرخانه کابینه این کشور به وجود آمد. حداقل ۱/۶ و ۱/۷ طرح‌های ۵ ساله مرتبط با موضوعات معینی در مورد افزایش سهم مشارکت زنان در توسعه

مدافع حقوق زنان به عنوان مصرف‌کنندگان و همچنین به عنوان شهروندان که بایستی از امکانات و فرصت‌های اقتصادی - اجتماعی کشور مالزی به خاطر ارتقای مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی به طور سریع تغییر می‌یابد. نقش‌ها و ارتباطات مبتنی بر جنسیت در خانواده‌ها مخصوصاً در مراکز شهری دستخوش تغییر قرار می‌گیرد.

### پاکستان

پاکستان رتبه ۱۲۰ را در میان ۱۶۰ کشور جهان از لحاظ شاخص توسعه انسانی UNDP داراست و نمره ۰/۳۰۵ را بین (۰ و ۱) دارند. سرانه درآمدشان ۲۷۶ دلار است. در این کشور شاخص‌های اجتماعی، تصویر فقر را بیشتر از کشورهای دیگر آسیا نشان می‌دهد. امید زندگی برای زنان، ۴۹ سال و برای مردان ۵۱ سال می‌باشد.

سنت‌های فرهنگی بیشتر از عوامل اقتصادی، در تعیین نقش‌های مربوط به جنسیت در پاکستان مؤثر هستند.

گرچه قانون اساسی پاکستان تحت تاثیر سنت‌های بریتانیا اجازه می‌دهد که زنان برای پارلمان انتخاب شوند. ولی در عمل و در واقعیت این امر پیاده نمی‌شود. انتخاب خانم بی‌نظیر بوتو به مقام نخست وزیری، بحث‌های جنجال برانگیز مذهبی را در پاکستان به وجود آورد و همین امر باعث شکست او در انتخابات بعدی شد قانون خانواده نیز در مورد زنان تبعیض‌آمیز می‌باشد. با وجود این قانون کار کشور پاکستان به طور جامع طرفدار حقوق کاری زنان کارگر می‌باشد، این قوانین همچنین امتیازهای ویژه‌ای را در مورد مادری و مراقبت از کودکان برای زنان در